

آن زرد بست وی آمد یا خود گفت که چون حق تعالی رزق
بندگان خود میدهد چرا زری کنیم و من نیک کنایه حسین
بنفک شوم پس توبه نصح بگردد و ترک زری کرد **روم**
آن زن فاحشه چون زربید با خود فکر کرد که حق تعالی امشب
رزق حلال فرستاد تو امشب بجانه باز کرد پس چون بجانه باز
گشت ندامتی بروی دست داد و غسل بر آورد و نماز مشغول
شد در آن نماز او آفریده بسیار دست داد و از کرد پیشمان
شد و توبه نصح بگردد و از جهالان و صالحان گشت **سوم**
مردی توانگر بود اما بغایه بخیل بود جنایم نرگوه دلری
و نصلقه چون آن زربید ختم شد با خود فکری کرد که اگر
این قدر بدست بی نوایی بسبک بودی چگونه بشاد شوی **همچو**
طاعت بر آن فرسید که شادی بدلی رسانند پس ترک بخل کرد
و دست عطا بگشود و در پیشانرا می نواخت پس بمرگه اظلا
و بیت آن مرد حق تعالی بر هر چهار رحمة کرد و از فضلها
که حق عز شانه برین آیه فرموده یکی اینست که طاعت و هم

ایشان

ایشان زربده ستر و صلاح خود نگاه داشته تا عبادت ایشان
و نگاهشان در کردار و توبه ام سالنه قتل بودی یا مسیح
صوره یا خسف توبه این آیه ندامت است یعنی چون از گناه
پشیمان شوند حق تعالی بپخشاید بکمال کرم و اگر نجاستی عظیم
بجایه ایشان رسیدی قطع یا بستی کرد و از آن این آیه بآب
پاک میشوید و این دو لفظها هم بمرگه مقدم میاید حضرت رساله
پناه **محمدی صلی الله علیه و آله** است **نقلات** که در بنی اسرائیل عابد
بود که همیشه بعبادت بستر بر روی تادوزی حضرت موسی علیه السلام
بقام ضیاحات میرفت پس گذرش بر در صومعه آن عابد افتاد
آن عابد بیرون آمد و موسی را سلام و زیارة کرد گفت یا نبی الله
تو سعی دارم که مرا در آن حضرت یاد کنی و سلام این شکسته بر آن
حضرت رسائی موسی علیه السلام برفت تا بمقام فرید رسید
و حاجتی که داشت به اتمام رسانید خواست تا فریاد کند
حق تعالی فرمود که بنه ما چه پیام داد و او را فرمود که
گفت یا رب العالمین تو خود واقف تری که بنه تو چکفت